

بیانیه حقوق اساسی  
نیکاراگوا

در صفحه ۸

امام  
امروز اشغال سفارتخانه‌ای  
در ایران خیانت به مبارزات بر  
حق ضد امریکائی مردم ما است.

دوشنبه پنجم آذر ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی

# کوششی در راه درست خواندن خط امام

اسلام کاظمیه

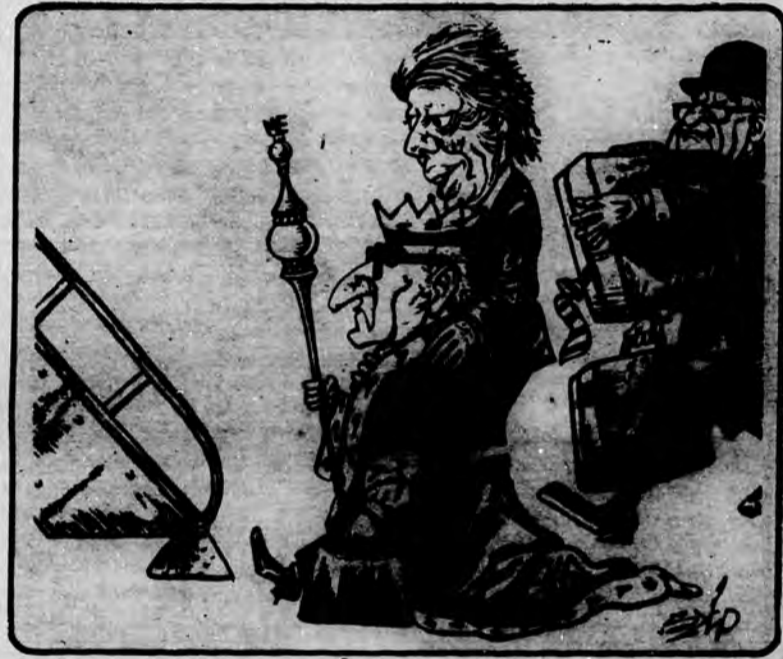
در شرایط استبداد ای دل کسی گمراه نیست.

از روزی که یک مقاله در چشم‌پوش از «خط امام» چاپ و منتشر شد تا روزی که چهارصد نفر از دانشجویان سفارت آمریکا را اشغال کردند و پشت رسانی روابط دیپلماتیک و آنچه را به نام این روابط می‌تواند در سفارتخانه‌ها بگذرد از بام انداختند، و خود را دانشجویان پیرو خط امام معرفی کردند نزدیک سه ماه گذشت. اکنون اصطلاح «خط امام» شهره شده است و همه مدعی خواندنش هستند.

خط امام و به گفته‌ی آقای احمد خمینی «خط خود امام» ظاهراً شیوا و بی‌لرزش و لغزش به نظر می‌رسد. اما چنین به نظر می‌آید که در کشاکش حوادث و وقایع و در پهنه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی هر کسی از ظن

خود این خط را به گونه‌ای می‌خواند و به گونه‌ای تعبیر و تفسیر می‌کند. روز جمعه نیز عده‌ای از امریکائیان و انگلیسی‌های ساکن ایران طی یک راه پیمائی به سوی سفارت آمریکا و پشتیبانی از خواسته‌های دانشجویان پیرو خط امام و خواسته‌های مردم ایران چنین نشان دادند که خط امام را توانسته‌اند بخوانند و بیسندند.

دوره هفته نامه چشم‌پوش را ورق می‌زنیم. همه جا و در هر شماره تعبیر و تفسیری از اساس این خط و تأکیدات و تذکراتی درباره تشکستن این خط دیده می‌شود. مثلاً در سرمقاله یکشنبه ۲۷ خرداد ماه زیر عنوان «تضعیف رهبری به نام تقویت آن» که به قلم علی اصغر حاج بقیه در صفحه ۲



عروس می‌بریم کوچه به کوچه.

## الله اکبر ایران است

در استانه سالگشت قمری و پایان قرن چهاردهم هجری که نقطه عطف پیروزی چهار مسالوات اسلامی بر شیوه‌ی تبعیض طبقاتی و نژادی دوران جاهلیت بود، مردم به فرمان رهبر انقلاب و با یاد شهبای سراسر جنگ و گریز و فریادهای اعتراض‌الله اکبر بر پامها که سیاهی شب را و سینه‌ی آسمان و پرده‌ی رژیم فساد و استبداد را می‌درید و با یاد روزهای آتش و خون سال گذشته، شب اول محرم بر پامها آمدند و فریادهای الله اکبر سردادند و روز اول محرم به سیل راه پیمائیان پیوستند که مال گذشته‌علیه استبداد می‌چسبیدند و امسال علیه امپریالیسم این پدر ناخلف استبداد به خروش و حرکت درآمده‌اند.

سال گذشته در چنین روزهای ششم محرم مردم تهران و شهرستانها

در پی اعلامیه‌ی متهورانه‌ی زنده یاد آیت‌الله طالقانی سرگرم تدارک بزرگترین راه پیمائی سیاسی طول تاریخ ایران بودند. که در روزهای تاسوعا و عاشورا انجام شد. در هر خانه بر پارچه‌های سفید شعار نوشته می‌شد و گروه گروه می‌آمدند تا برای روز تاسوعا که امکان درگیری با ماموران دستگاه وحشی فراوان بود برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی کنند.

روز جمعه هفتم محرم از صبح در خانه‌ی کوچک علی اصغر حاج سید جوادی بیش از صد و پنجاه نفر از زنان و مردان و جوانان مبارز و کادرهای چشم‌پوش گرد آمده بودند و به تفسیرهای سیاسی گویندگان گوش می‌کردند و در بحث شرکت می‌جستند و در کار مبارزه رایزنی می‌کردند.

بحث سیاسی که تمام شد، طه

حاجزی شاعر انقلابی ما شعری مهیج از خود خواند با عنوان «ممشوق من مسلسل خودکار» و پس از آن حاضران در جلسه از علی اصغر حاج سیدجوادی به اصرار خواستند آخرین تحلیل خود را که از جریان انقلاب نوشته است، بخواند.

حاج سیدجوادی نوشته‌ای را که برای دفترهای سیاسی شماره ۱۷ چشم‌پوش و زیر عنوان «الله اکبر، این صدای انقلاب ایران است» نوشته بود آورد و برای حاضران خواند. هنوز آخرین جمله‌های نوشته تمام نشده بود که صدای چک‌چک گلنگن تنگ‌ها و ضربه‌های پوتین‌های سربازی شنیده شد.

خانه را که آپارتمانی کوچک است و مرز آن با کوچه فقط یک در شیشه‌ای است محاصره کردند. با تمام بقیه در صفحه ۶

## دانشگاه در جهان امروز

گفتارها از: هربرت باترفیلد دانشمند و استاد انگلیسی ترجمه: محمد علی کاتوزیان استاد دانشگاه کنت

مقدمه  
در دوران انقلاب به دانشگاه لقب‌های گوناگون داده شد. آن را «سنگر آزادی» و «کانون مبارزه با امپریالیسم» و «سجده گاه عمومی» گفتند، ولی واقعیت این است که دانشگاه گوشه‌ای از اجتماع متحول و آشوب زده ما است. با همه افتخار و غرورهای ناشی از پیروزی در جنگ با نظام گذشته، و با تمام گرفتاری‌ها و نابسامانی‌ها که دیگران از آن رنج می‌برند.

در دانشگاه نه تنها تا کنون اصلاحی بنیادی انجام نشده، این کانون عملی هنوز خود را باز نهالفته است. دانشگاه هنوز نمی‌داند چه قاعده‌ای بر آن حکومت دارد و در حیرت است که در این غوغای گویج کننده از کجا باید آغاز کند. میراث خواران انقلاب به تکاپو افتاده‌اند تا از این

آب گل آلود ماهی بگیرند. موتور حرکت، جنگ قدرت‌ها است: نیروی استادان در این صرف می‌شود که چگونه موضع پیشین خود را حفظ کنند و گروهی چنان خود را بخته‌اند که در اندیشه جلب رضایت دانشجویان بیش از آموزش آنان و پاسداری از حقوق عمومی هستند. کارمندان نیز بنوبه خود می‌کوشند تا به وضع استخدامی خود سر و سامانی بخشند، تحقیرهای گذشته را جبران سازند و بر موضع قدرت نشینند.

شوراهای هم‌آهنگی نیز برای رفع این تعارض ناتوان است. بسیاری از آنها بصورت موضع و سنگری برای صف‌آرایی و ستیز

## دکتر شریعتی چه شد؟

چرا باید متفکران اسلامی و ایرانی را فراموش کنیم؟

شب اول محرم که فیلم راهپیمائی‌های محرم سال گذشته را از تله‌ویزیون نشان دادند مردم تصویر حرکت شکفت انگیز خویش را در سال گذشته مقارن با همین روزها دیدند و به شوق آمدند و به فرمان امام بر پامها رفتند و با فریاد الله اکبر یاد مبارزات گرم و خونین سال گذشته را زنده کردند.

در فیلم تله‌ویزیون دیدیم و همه دیدند که سال گذشته در چنین روزهایی با چه شوری و چه نیروی چون سیل خروشان در خیابانها به حرکت در می‌آمدند و علیه دستگاه اممکش فساد و استبداد می‌خروشیدند و سرودهای خردساخته و پرشور خود را می‌خواندند. در فیلم دیدیم و همه دیدند و شنیدند. بیشترین تصاویری که سال گذشته در دست مردم بود تصویر رهبر انقلاب و پس از آن تصاویر زنده یادان آیت‌الله طالقانی و دکتر شریعتی و دکتر محمدمصطفی بود. در میان سرودها چندبار از تله‌ویزیون و رادیو سرودهایی را که به نام و برای دکتر شریعتی ساخته بودند گروه گروه می‌خواندند و به پیش می‌رفتند و مشت‌های آسمانکوب قوی را بر می‌افراشتند. شنیدیم که به آهنگی جذاب هزاران هزار جوان و پیر و زن و مرد می‌خواندند:

دکتر علی شریعتی - تو قهرمان ملتی - زنده باد یاد تو - زنده باد نام تو.....

بقیه در صفحه ۲

## درباره امنیت قضائی جامعه

علی اکبر یلقانی

بمطابق تعاریف بعضی نظریات کشور برچورد آمد این فرصت نیز حاصل شد که موضوع امنیت قضائی جامعه مورد بحث و فحص واقع شود. هر جرمه کتونی امنیت قضائی دارای ابعاد گسترده‌ای است و بطوریکه در قوانین اساسی مانع انعکاس یافته بااموری چون امنیت جهان، مال و مسکن و شرف شامل تابستال عمومی چون امنیت آزادی عقیده

مطبوعات، انجمن‌ها و اجتماعات توسعه می‌یابد. باتوجه ابعاد امنیت قضائی جامعه، کار و مسئولیت‌های سازمان قضائی نیز توسعه می‌یابد و این گسترش مسئولیتها از لحاظ تعویب سازمان قضائی را مختصراً از لحاظ عوامل انسانی و قانونی مینماید. در حال حاضر در کشور ما دو نظام قضائی وجود دارد یکی نظامی که در وجود دادگستری حکومت میکند و دیگری نظامی

که بصورت دادگاههای انقلاب عمل مینماید. اینک به توضیح عملکرد هر یک از دو نظام قضائی موجود پرداخته و در پایان به نتیجه گیری از وضعیت عمومی جامعه از لحاظ امنیت قضائی میپردازیم.

نظام قضائی دادگستری - بموجب قوانین اساسی موجود و قانونی که در جریان تصویب است محاکم دادگستری تنها مرجع عام رسیدگی به تظلمات و شکایات

و اعلامات عمومی هستند و این از جمله پیرویهاتی است که مردم ایران ضمن انقلاب مشروطه و کوششهای قبل از آن تحصیل نموده‌اند. محاکم دادگستری که دوران عمده موجودیت آن مصداق باحکومت سلسله پهلوی است بدو علت مهم نترانست وظایف اساسی خود را انجام دهد و در واقع این دست آورد درخشان انقلابیون

بقیه در صفحه ۲

### کوششی در راه....

بقیه از صفحه اول

سیدجوادی نوشته شده است چنین می خوانیم:

«مهمترین خصوصیت رهبری انقلاب ایران جنبه ضدامپریالیستی است. قبل از انقلاب جهت مستقیم حملات آقای خمینی به استبداد وابسته به امپریالیسم مخصوصاً رابطه نزدیک شاه با آمریکا بود؛ در آن دوران هنوز جهت گیری نیروهای اجتماعی و سیاسی ایران شکل نگرفته بود؛ همه نیروها در طیف های مختلف اعتقادی در صفی قرار داشتند که هدف آن نابودی استبداد و استعمار بود.»

این هدف در روش رهبری آقای خمینی اکنون همچنان دست نخورده و بدون انحراف باقی مانده است. مخصوصاً جنبه ضداستعماری رهبری و مصلحه ناپذیری آن در جهت رهائی از نفوذ امپریالیستی و سرمایه داری آمریکا همچنان درخشان است؛ اما بعد از انقلاب اتحاد نیروها و گروه های سیاسی خود به خود شکسته شد.

هر گروهی به گرایش های اعتقادی خود پیوست، و این گرایش ها بجای اینکه در چارچوب یک برنامه مشخص انقلابی در کنار هم قرار گیرند رو به روی هم ایستادند سرمایه داری و بورژوازی واسطه قدرت خود را ظاهراً از دست داده و با حملات مستقیم انقلاب ناچار به عقب نشینی شد، این عقب نشینی در صورت وجود یک برنامه اجتماعی و اقتصادی انقلابی میتوانست همچنان ادامه یابد. زیرا استعمار در ایران دارای ریشه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی عمیقی است. برای نابودی نفوذ امپریالیسم چاره ای جز گسیستن پیوندهای سیاسی و اقتصادی آن با جامعه ایران نیست، و پاره کردن این پیوندها نیز جز در محدوده یک برنامه اجتماعی و اقتصادی انقلابی میسر نمی باشد. بنابراین وجه دیگر رهبری باید فشار بر روی اهرمهای اقتصادی و سیاسی امپریالیسم با کشور ما مقاومت می ورزند و یا در اثر فقدان یک برنامه مشخص اقتصادی بار دیگر برای دستیابی بر مواضع سیاسی از دست رفته به تلاش و تکاپو می افتند.»

و اکنون گروه های اجتماعی و سیاسی، دارندگان گرایش های مختلف که پیوند مستقیم توده ای انبوه مردم را با رهبری انقلاب به صورت مستقیم و ناگسسته می بینند و رهبری را همچنان مسلط و مشرف بر احساسات و عواطف مردم می یابند در حالی که همه حرکت خود را در خط رهبری و خط امام اعلام می دارند لیکن هر یک این خطه را به نوعی می خوانند و تعبیر و تفسیر می کنند.\*\*\* ما مکرر نوشته ایم و بر سر ایمان خود همچنان استوار ایستاده ایم که مبارزه با امپریالیسم اگرچه حتماً باید متکی به قدرت و خواست توده های مردم باشد اما آیا خواست توده ها وسیله مطمئن و یا تنها وسیله رسیدن به هدف رهائی از قید و شددای اسارت بار امپریالیسم است؟ مبارزه با امپریالیسم یک مبارزه مداوم و طولانی و طرح ریزی شده و با برنامه های دقیق و همه جانبه در راه به دست آوردن استقلال اقتصادی و سیاسی و در راه از میان بردن فرهنگ است که امپریالیسم به همراه ظواهر تمدن خود به کشورهای استعمارزده صادر می کند و مردم یا مصرف کنندگان سرزمینهای استعمارزده را در تار عنکبوت ضوابط فرهنگی و سیاسی طرح ریزی شده خود گرفتار می کند.

خودمان هم دیدیم مردمی را که پس از قرن ها در سکوت و خاموشی و نا آگاهی از نظام پیچیده اقتصادی و سیاسی جهان نگهداشته شده اند و پس از قرن ها سکوت به رهبری یک رهبر بی بدیل انعطاف ناپذیر به حرکت درآمده اند، این مردم و سرنوشتشان را با یک توطئه از چاله ای در نیامده به چاهی درافتادند. همه می گوئیم که در «خط امام» حرکت می کنیم. اما به یاد داشته باشیم که ما خط امام را خطی در جهت و راستی از قید و بند تمام قدرتها و ابرقدرت های جهانی می دانیم و گروهی دیگر که سواری بر موج احساسات مردم را امیخته اند پیروی از خط امام را انحصار کردن قدرتها در دست یک گروه خاص اجتماعی و روانی بسیاری از نیروهای کارآمد را از میدان مبارزه می دانند و گروهی دیگر که برانگیختن احساسات خام را به خوبی امیخته اند شعار ضد امپریالیستی را منحصر به شعار ضد آمریکائی کرده اند و مبارزه را در راه شعار متوقف کرده اند تا در روز میاد قدرت یا ابرقدرتی دیگر در فرصت مناسب به درون بخزد و جانشین قدرت ارضی آمریکا شود.

ما که به اصالت مبارزه ای ضد امپریالیستی و به عمق این مبارزه اندکی آگاهی و خطرات ناشی از لحظه ای غفلت را می دانیم ناچاریم از سواری بر موج احساسات بهره یزیم و از دامن زدن به احساسات تا حدی که تمام نیروی مبارزه ضد امپریالیستی در حد شعر و شعار متوقف بماند دوری کنیم و از دو سو هدف دندان کینه ای برانگیزانندگان احساسات واقع شویم. ما می گوئیم و تکرار می کنیم که تجربه تمام انقلاب های جهانی نشان داده است در صورت وجود اختلاف یا باید در فضای داخلی از این اختلاف نظرها به قیمت گشت و فداکاری جلوگیری کرد و تمام نیروها را متوجه دشمن اصلی و قوی خارجی ساخت. و تجربه ای چون انقلاب الجزایر یا نیکاراگوا را به کار بست و یا باید در مسائل خارجی گذشت نشان داد و مرزها را از گزند دشمن مصون نگاهداشت و به حل مشکلات و مسائل داخلی پرداخت چون تجربه انقلاب شوروی.

ما امروز برغان برون مرزی را قویتر و آسوده تر و طمعکارتر از آن می دانیم که در برابر اثرات انقلاب ما آرام بنشینند، در نتیجه مبارزه با آنان را مقدم بر دامن زدن بر اختلافات داخلی می دانیم که در دور مدت و دور از خامی و تعصب قابل حل است. خط امام را نیز چنین می خوانیم که مبارزه با امپریالیسم مقدم بر هر کاری است. اما هر کاری راهی دارد، باید در مسائل داخلی با گشت و فداکاری و به دور از تنگ چشمی و انحصار طلبی در کنار احساسات شورانگیز ضد امپریالیستی توده ها که تمام نیروهای کارآمد در جهت معین و مشخص مبارزه استفاده شود. باید از اعمال قدرتهای متفرق و عدم هماهنگی و خشنوئی له و علیه که متأسفانه دامنه ای آن به ارگانهای اصلی سازمانهای انقلاب اسلامی هم کشیده شده است پرهیز شود و دموکراسی توأم با مرکزیت قدرت اجرایی هر چه زودتر به وجود آید. خوشبختانه در تمام مسائل مخصوصاً در راه حل مسأله کردستان، رهبر انقلاب نمونه ای از صبر و گذشت انقلابی و تسامح اسلامی را نشان دادند. ما از روزهای پیش از شروع انقلاب تا امروز بعضی نظر خود را نسبت به احقاق حقوق پایمال شده ای اقوام ایرانی بیان کرده ایم. امام نیز حرکتی مؤثر در این جهت را با همان گذشت و تسامح انقلابی و اسلامی بنا گذاشت. هیئت حسن نیت به کردستان رفت. کردستان یک هفته غرق در شور بود. روزنامه ها و

راديو و تلویزیون برگردان سخنرانی ها و گفته های بعضی از رهبران کرد شدند که سابقاً رانده شده بودند. ناگهان سراسر مردم را بیانات امام جمعه تهران و مرد مبارز مذهبی در روز جمعه به بهت وحیرت فرو برد. خبرهایی که تا امروز (ظهر شنبه) به ما می رسد حکایت از هیجان و وحشت و حرکت مردم در کردستان می کند. آیا این اظهار نظر در چنین موقعیت خطیری که چنان با غول امپریالیسم آمریکا مقابل هستیم، حکایت از مال اندیشی و حکایت از هماهنگی و یکپارچگی لازم در سطح بالای رهبری انقلاب اسلامی دارد؟ در چه زمانی داریم گروهی بر گروه های کار می افزاییم. در زمانی که آگاهان و گروه های سیاسی هر کدام در باره ی قانون اساسی حرفها دارند و آن را نارسا و قابل تجدید نظر اساسی اعلام کرده اند و می کنند. در زمانی که امام نیز در اظهار نظر خود راجع به قانون اساسی گفته اند؛ این باموازین اسلام مغایرتی ندارد ولی هرگز نگفته اند که این یک قانون اساسی جامع الاطراف مطابق با موازین اسلام از طرفی و پاسخگوی تمام حقوق اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و انسانی مردم مسلمان ایران در جهان امروز است.

شاید بیشترین اوراق را در ارزیابی کم و کیف قانون اساسی نویسندگان و کارشناسان حقوقی و اقتصادی و اجتماعی جنبش سیاه کرده باشند. از خرداد ماه تا امروز در هر فرصتی نظریات جنبش و دوستان کارشناس ما درباره قانون اساسی به طور مفصل چه در این هفته نامه و چه در جزوه های جداگانه درج شده است و همه با توجه به موازین اسلامی بوده است و شاید لازم نباشد که بگوئیم تعبیر مختلف از موازین اسلامی چنان مختلف است.

که بیش از سی گروه اسلامی سیاسی امروز در جامعه مشغول فعالیتند و هر یک دیگری را نفی می کنند، همچنانکه بیش از بیست و چند گروه مستقل مارکسیستی مشغول فعالیتند بجز گروه های وابسته. ما خط امام را در مورد قانون اساسی نیز از وضوح کلمات ایشان می خوانیم و درمی یابیم که اگرچه گفته اند این قانون با موازین اسلام مغایرت نیست ولی هرگز نگفته اند که این قانون جامع و مانع در تمام زمینه های اساسی و حیاتی زندگی نوین انقلاب اسلامی در جهان امروز است. مانیز همین را می گوئیم و اضافه می کنیم که در اوضاع و احوال کنونی و گرماگرم مبارزه علیه غول امپریالیسم آمریکا و مواعین مشکلاتی مثل مشکل کردستان صلاح اینست که چون مجلس خبرگان به گفته امام نیز مجلس مشورتی قانون اساسی بوده است، فرصتی داده شود تا مردم و سایر کارشناسان نیز درباره ی آن درواز موج احساسات و بحران و حاکم ارزیابی و بحث و انتقاد کنند و اگر قرار است قانونی که برای نوشتن هرماه و کلمه آن خبرگان امر آنهمه بحث و گفتگو کنند یکباره و در کل قضیه به رای غیر خیره هائی چون من گذاشته شود و تصویب شده اطلاق گردد، دست کم قانونی جامع تر و مانع تر که نسل مارا در برابر تاریخ و در برابر نسلهای آینده سربلند کند از تصویب بگذرد.

ما به خوبی می دانیم که در اوضاع و احوال و فضای موجود هر قانون دیگری را که شورای انقلاب به فرآیند بگذارد باتوجه به اصل جانشینی روائشناسی جامعه رای خواهد آورد و به خوبی می دانیم که دودسته در حرحال مردم را تشویق به رای دادن مثبت خواهند کرد. اول دسته ای که بر موج احساسات مردم از بندرسته که صلحافانه برای گسستن زنجیر اسارت تا پای جان می ایستند، سوارند و دوم گروهی که دانسته و آگاهانه خود را در خطر قرارداده اند و

وابستگی به سیاستهای ابرقدرت تصور می کنند درباره ی بدنی بدون هیچ تعصب و تاملی این سنجندگان ایرانی مردم ایران و این سند حاصل از پیروزی انقلاب را به آسانی می توان در لحظه ای پاره کرد و در آتش افکند. اما آنان که شور و پیروزی بنیادی انقلاب را دارند و شوق استقلال و پیشرفت ایران انقلابی را در دل می پروراند، حق دارند که از هر دو سونگرا باشند و به آنچه در این قانون است تنها به علت اینکه فقط با موازین اسلامی مغایرت ندارد رضای نشوند.

ما خط امام را چنین شیوا و بدون لغزش می خوانیم و می بینیم. یک قاعده ای ابتدائی هندسه می گوید اقصر فاصله بین دو نقطه خط مستقیم است. هفته ای پیش نوشتم که برای مبارزه با امپریالیسم و با سیاست آمریکا باستی ماکسیسم سیاست آمریکا را شناخت و نوشتیم که کارتر هرگز نمی تواند علیه ایران در اوضاع و احوال فعلی دست به عملیات نظامی بزند چون در داخل آمریکا گرفتار است و از جمله باسیهان آمریکا که نیروی عظیمی درگیر است و باید به گرفتاری های او در این مبارزه توجه داشت. خوشبختانه در همین هفته دانشجویان پیرو خط امام و مستقر در سفارت آمریکا با اجازت امام سیاهان را آزاد کردند و کارتر نیز قطعنامه ی اعتراض آمیز خیل کشیشان سیهوست را به عمل نپناه داد و به شاه دریافت کرد.

همین هفته پیش نیز وزیر خارجه جدید از میان نامه های باقی مانده از وزیر خارجه پیشین نامه ای می یابد و آن را به خبرنگار «ان بی سی» نشان می دهد که در آن «دزمی کلارک» وزیر دادگستری اسبق آمریکا و رئیس کمیته ضدفساد آمریکا به وزیر خارجه ایران پیش از تصرف سفارت نوشته بوده است از راه های حقوقی و قضائی می شود شاه و ثروتش را پس گرفت و به ایران فرستاد.

دست در همان روزهای بعداز تاریخ آن نامه رهبر انقلاب در یک سخنرانی گفتند که از دکتر یزدی پرسیدم خودش را اگر پس بگیریم ثروتش که به حق مال ما است چه می شود، دکتر یزدی گفت آن هم راه دارد و ممکن است.

در روزنامه انقلاب اسلامی ارگان وزیر خارجه فعلی در تاریخ روز پنجشنبه مقاله ای هست نصیحت امیز به دانشجویان پیرو خط امام که چرا در بیانیه ی شماره ۲۵ خود نگفته اند: «در صورتی که احساس شود تهدیدهای آمریکا جنبه واقعی به خودبگیرد کلیه گروگانها را یکجا

نابود خواهیم کرد - و در صورت کوچکترین تعرض نظامی آمریکا کلیه آمریکائیان مقیم ایران در مخاطره واقع می شوند و سفارت که محل جاسوسی بود منجمد می شود» در حالیکه خبرنگار «ان بی سی» که می پرسد آیا به طوریکه مردم می گویند این گروگانها هراتفاقی بیفتند کشته نخواهند شد. امام پاسخ می دهد: «بلاشکال این مسأله همانطوری است که آنها گفته اند و مادامی که اینجا و در پناه اسلام هستند هیچ و آید به آنها ضرری نمی رسد و آنها در آنجا در کمال رفاه هستند.»

واقعیت اینست که سیاست آمریکا با دستهای تارمق به خون آلوده خود می گوشت در جهان و در برابر نشان گیری خود را مظلوم نشان دهد و خاکی بر سر گناهان آشکار خود بریزد. آیا نباید ما در برابر این مظلوم نمائی تبلیغاتی چنان عمل کنیم که چهره برحق و مظلوم انقلاب خود را چنانکه هست به دنیاشان دهیم؟

با این وقایع و هزاران واقعه ضدو نقیض روزانه در حالی که مردم ما، انقلاب ما، کشور ما حساس ترین لحظه های تاریخی خود را می گذرانند و در مقابله با ابرقدرتها به هماهنگی هرچه بیشتر احتیاج دارد واقعا خط امام را چگونه باید خواند؟

ما خط امام را در هماهنگی قدرتها و گریز از جاه طلبی ها و در غفلتها و انحصار طلبی ها و در حقیقت عفو و اغماض و تسامح اسلامی و انقلابی و در بهره گیری از تمام نیروهای قابل و کارشناس انسانی و دوری از رنگها و نیرنگها و در طراحی و اجرای یک برنامه ی درست اقتصادی و اجتماعی و بهره گیری از تضادهای سیاست جهانی و پرهیز از عوامفریبی و سرگرم کردن مردم مستعدکار به شعر و شعار و ایجاد تحرک و کارسازنده می خوانیم و کوتاهترین فاصله را برای رسیدن به بیانیه حقوق اساسی مردم نیکاراگوا که به وسیله ی سران انقلاب در همان روزهای اول پیروزی منتشر شد و در همین شماره ترجمه آن را می بینید یک نگاه بیندیشیم و به بینیم چگونه با سرعت عمل و دقت انقلابی طرحی ریخته شده است که از تمام امکانات موجود بی هیچ تعصبی در راه پیشرفت هدفهای انقلاب و بهروزی مردم بتوان بهره برد.

ما خط امام را در واقع بینی در راه استقلال و بهروزی مردم انقلابی ایران می خوانیم که در صراط المستقیم ای دل کسی گمراه نیست

## دکتر شریعتی چه شد؟

بقیه از صفحه ۱

اما فقط یکسان پس از پیروزی انقلاب و تقسیم مشاغل رهبری در میان جمعی که از پس آن حرکت عظیم مردمی پر کرسی های رهبری نشستند و یکی از قوی ترین موتورهای محرک آن حرکت عظیم دکتر علی شریعتی بود، کسی نبود هربرد دکتر علی شریعتی کجاست؟ شریعتی که جسماً زنده نیست و اگر هم زنده بود پیدا نبود که کیهان رهبری بگردد و جانی را تنگ کند. چرا باید انقلاب مردم را به سوی تنگ نظران و انحصار طلبی ها چنان بکشانیم که حتی از یاد یکی از بنیان گزاران فکر مبارزه اسلامی و یکی از متفکران و سختکویان جریان مبارزه ای که به انقلاب اسلامی منتهی شد، تنها از یاد او پرهیز کنیم. آیا همدما با دوستان جوانی که از ما می پرسند حق نداریم سؤال کنیم مبادا یک سال دیگر آنها که بر موج احساسات مردم رکاب زده اند و می تازند، یاد جاودانید ایت الله طالقانی هم به طاق فراموشی بسپارند و حق نداریم بگوئیم چنین تنگ نظران یا فراموشکارها روحیه ی مبارزان برحق زنده را سخت آسیب پذیر می کند و برای تداوم انقلاب این بخاطر خطر بزرگ است. اگر چه در گوشه و کنار می بینیم که رایج کنندگان افکار قشری جزوه های تکثیر نمایی دکتر شریعتی را نیز می پراکنند و در جهانی به وسعت افکار تمام انسانها، حتی از یاد این متفکر و بنیان گزار اندیشه ی نوین اسلامی پرهیز می کنند و یا می فرستند.

درباره امنیت قضائی

بقیه از صفحه اول

صدر مشروطه تنها بصورت عبارات و کلمات بی جان در لابلای کتابهای قانون باقی ماند و جامعه ایرانی نتوانست از مزایای اجتماعی آن که بهره مندی از حقوق و آزادیهای اساسی بود استفاده کند...

۱- وزیر دادگستری اصولاً عضو شورای هیئت دولت بوده و یکی از اعضاء مؤثر قوه مجریه محسوب میشود و وجود چنین شخصی...

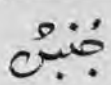
۲- یکی از کمبودهای اصلی سازمان قضائی مافقدان جامعه قضائی است که خواند بنویسی مؤثری چه از لحاظ امنیت قضائی جامعه بطور عموم وجه از لحاظ قضائی جامعه و هم از لحاظ امنیت قضائی و کارکنان دادگستری حائز اهمیت فراوان است...

برونده‌ای مدرکی وجود داشته باشد که با رسیدگی دقیق معلوم شود که مطابق آن مدرک فقط آگاهی و اطلاع متهم در جرمی بابت است قاضی و دادگاه رسیدگی کننده میتوانند تأثیر آن دلیل را تا مرحله مداخله مباشرت متهم در جرم انسانی توسعه دهند...

عوامل اجتماعی است که شناسایی هر یک از این علل مؤثر در میزان مسئولیت و تقصیر متهم بنا بر این در آنجا که رسیدگی دادگاه نیاز رسیدگی به عوامل مؤثر در وقوع جرم دارد چنانچه دادگاه بدون توجه باین عوامل اقدام کند و مجرد عمل متهم را مورد توجه قرار دهد در واقع مبادرت بیک رسیدگی ناقص نموده و چنین رسیدگی نمیتواند متضمن اجرای عدالت باشد...

مقدمه‌ای بر تجدید چاپ جنبش دوران مخفی

بیست و هفت شماره جنبش دوران مخفی به تقاضای مکرر دوستان فراوانی که علاقمند به نگهداری دوره کامل آن بودند و نداشتند، در یک جلد تجدید چاپ شد. این دوره جنبش یادآور خاطراتی است از سیر تکاملی مبارزات مردم ایران که به انقلاب و تغییر رژیم کشید...



# حقوق بشر نه مال کارتر است و نه امریکائی

اعلامیه حقوق بشر قانونی است که ملتها با توجه به جریان حرکت زندگی بشر به ابرقدرتها و حکومتهای متجاوز تحمیل کرده اند.

## خلاصه سخنرانی دکتر عبدالکریم لاهیجی

### مروری بر گذشته جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

به نام خدا  
مسأله دفاع و حرمت حق دفاع از مدتها قبل فکر چند نفر از موسسین این جمعیت را بخود مشغول کرده بود و در اوج مبارزات قهرآمیز فرزندان دلیر و از جان گذشته ایران بین سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۶ این چند نفر صدای مظلومیت ملت ایران را بگوش مردم جهان میرساندند. اینان در کارشان انقدر ایمان و اخلاص بود که هنوز نمی خواهند نامشان فاش شود. به همت این افراد هیأتی متعدد مرکب از حقوقدانان، ناظران بین المللی و خبرنگاران بایران می آمدند، در محاکمات مبارزان خلق ما شرکت میکردند، از زندان و وضع زندانیان سیاسی و بخصوص موضوع شکنجه در ایران گزارشهای بسیاری تهیه می نمودند و به کوشش سازمان عفو بین المللی و اتحادیه جهانی حقوق بشر این گزارشها در سطح بین المللی انتشار یافت و رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی ایران در دستور کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، سنای فرانسه و مجلس سنای امریکا قرار گرفت. این اقدامات ادامه داشت تا اینکه در تابستان ۱۳۵۶ چند تن از موسسین این جمعیت در نشستی که در لندن با حضور سازمان عفو بین المللی داشتند تصمیم گرفتند که فعالیتهای خود را علنی کنند و در مراجعت بفکر تاسیس جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر افتادند. اساسنامه این جمعیت بهمت چند نفر متوجه آقای حسن زویه تهیه گردید و اولین نمود این جمعیت بصورت نامه سرکشادهای خطاب به والدیهام و دبیرکل سازمان ملل متحد که پامضای سی نفر از مبارزان قدیمی و آزادیخواهان رسیده بود تجلی کرد. و این سی نفر بعنوان موسسین جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر معرفی شدند. در مقدمه این اساسنامه آمده است: از آنجا که هر ایرانی حق دارد بدون هیچ گونه تبعیض بحکم اصول و برطبق مبانی عالیله اسلامی از کلیه حقوق انسانی و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر بهره مند گردد، از آنجا که هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی حقوق و آزادیهای را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر گردیده است تامین نماید و آنها را بموقع اجرا بگذارد، از آنجا که حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام برسد ظلم و فشار مجبور نگردد، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر تأمین حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای مردم ایران وجهه کوشش و همت خود قرار میدهد. در فاصله پانزده ۱۳۵۶ تا پیروزی انقلاب ایران جمعیت ما پیش از این از جهت اقدامات دفاعی و انتضاری جناب رژیم طاغوت مبارزه ای بی امان را با انجام رساند و

روز سه شنبه ۲۴ آبانماه جلسه عمومی کمیته ایرانی سازمان دفاع از آزادی و حقوق بشر با شرکت اکثریت اعضا در محل جمعیت تشکیل شد. در این جلسه ابتدا دکتر عبدالکریم لاهیجی نایب رئیس و سخنگوی جمعیت گزارشی مختصر از فعالیتهای گذشته جمعیت را به اطلاع حاضران رسانید و پس از آن دکتر فرج الله ناصری درباره هدفها و برنامه های جمعیت مفصلا سخن گفت و جلسه با گفتگو و پرسش و پاسخ ازاد اعضای جمعیت از هیئت مدیره پایان یافت.

خلاصه ای از سخنرانی دکتر عبدالکریم لاهیجی و دکتر فرج الله ناصری را که در آن جلسه عمومی ایراد شد در زیر می خوانید.

### خلاصه سخنرانی دکتر فرج الله ناصری

موضوع سخنرانی من نفس و رسالت جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در حال و آینده است تصور می کنم برای نتیجه گیری بهتر باید سخن خود را به سه بخش تقسیم کنم:  
- ضرورت شناخت حقوق بشر  
- ضرورت شناخت مسائل  
- رابطه و رسالت جمعیت

۱- ضرورت شناخت حقوق بشر  
حقوق بشر جزء لاینفکای بشر است. تاریخ آن تاریخ بشریت است. انسان و حرمت و حقوق انسان موضوع اصلی همه مذاهب و مسالک است. خداوند انسانرا کرامت و فضیلت بخشیده و خلیفه خود در روی زمین فراده است که این کرامت و فضیلت و نمایندگی برپایه حق استوار است. در قرآن واژه های حق، کتاب، میزان، عدل، قسط، حساب و مانند آنها وفور چشمگیر دارند. حقوق بشر بدو گروه بزرگ حقوق فردی و حقوق اجتماعی تقسیم میشود که گفتگو درتعیین آنها را زائد میدانم اما دو نکته را تذکر می نمودم یکی اینکه تجلی حقوق فردی نیز در متن جامعه و روابط اجتماعی است در زندگی کمالا فردی - اگر میسر میبود - حتی حقوق فردی به مماندن زنان و فرهنگ و اخلاق وجود نمیداشت. نکته دیگر اینکه نبوغ حقوق فردی و اجتماعی بانقضا کامل جامعه روزافزون است زمانی که زبان نبوده حق بیان معنایی نداشته و زمانی که قلم بوجود نمانده آزادی مطبوعات بنمیشروع بوده امروز در زمینه حقوق بشر از حقوق مردگان و حقوق حمل هم گفتگو میشود و چندجایی افتخار است که بگویم خیلی پیش از تدوین (نه تکوین) حقوق بشر اسلام مردگان و هم حقوق حمل را محترم شمرده است. براسطو ما به همتش خود حرفهای ابزار جاندار مینامد درتعیین انسان هم در زمان بوده است و این نزاع تقریباً همیشه با حکومت و قدرت بوده است.

دورانیهای اولیه زندگی شیبانی، نظامهای قبیله ای، دولت شهری، فئودالی، بورژوازی، سلطنتی، جمهوری، نظامی، غزنشاهی و حکومتهای تئوکراسی الهی غیر منطقی و ضدمنطقی، دموکراسی، ترانزیشن، استعماری و استعمارزدگی همه جا و همه وقت یکبار در راه تامین و اعتلا حقوق در طرف افراد، گروهها، خلفا و ملت ها ادامه داشته است. این یکبار مرحله برحله پیروزیها و دستاوردهائی داشته فرائین و الواج در نهایت قدیم، پوزان و روم بابل و مصر و ایران و چین و هند و اعلامیه ها و منشورها و قوانین اساسی در نتیجت جدید خط سیر یکبار جولان حق ظلمی بشر و پیروزیهای متکامل آنرا ترسیم میکنند. نقش مناصب، در تکامل حقوق بشر درخشندگی خاصی در درمیان مناصب معیار و باید اسلام را یک شخص بزرگ حقوق بشر شناخت. باین سخن باز خواهیم گشت.

در برابر این پیشرفت ها، تجاوز و تعدی بحق بشر نیز موارد فراوانی داشته، چه در روابط داخلی کشورها و چه در روابط بین المللی. مطالع استعماری نقش حقوق بشر را بالاترین سطح رسانید جنگ جهانی اول ۱۹۱۴ و میلیون و جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵ میلیون نفوس انسانی تلفات داشت. این

استحکام جمهوری اسلامی امینتین داشت. این انقلاب بزرگی که به رهبری حضرت آیه الله خمینی و کوشش جامعه روحانیت مترقی و جانبازی همه ملت ایران به پیروزی رسیده و نظام سلطنتی دیرپا را از جامعه ما برانداخته است، اکنون در برابر مسائل تازه ای قرار گرفته است. ما اینجا برمسائلی که به حقوق بشر مربوط میشود توجه داریم. حکومت جمهوری اسلامی فواین زمینه هم امیدویم نگرانی برانگیزه است. امید بر اساس تئوریها و اصول بزرگ اسلامی در زمینه حقوق بشر هم با مفاهیم اعلامیه جهانی حقوق بشر همانفک و سازگارند به پاره ای از آن اصول اشاره کنیم:

در برابری انسانها از لحاظ جنس و نژاد و قومیت... و ناخلفنا کم من ذکر وانثی و جلتنا کم شوعباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندنا اتقیکم... قرآن کریم - (شمارا از مرد و زن آفریدیم و ملت ها و گروهها قراردادیم بدرستی که گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شاست) امام علی (ع) در دستورالصل خود به مالک اشتر که به والگی مصر میرود مینویسد... انهم صنفان اما اخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق... آنها دو دسته اند یا در دین با تو برادرنند یا در آفرینش با تو برابرند.

اگر دین نداری لاقل در دنیا بینان جوانرد باشی (امام حسن ع.) برای مومنان: اما المومنون اخوة. (قرآن کریم)

آزادی و احترام بیان: فبشر عبدالذین یستمعون القول و یتبعون احسنه اولئک الذین هدیمنا الی صراط مستقیم و اولئک هم لولوا لایالاب - قرآن کریم - (بشارت باد کسانی را که سخنان را می شنوند و از بهترین آنها تبعیت میکنند...) در اینجا توجه کنیم که این تکلیف شنیدن بطور ضمنی حق بزرگ بیان را در بر دارد اگر آزادی در بیان شنیدن چه معنی دارد خوبست به قسمت آخر آیه هم توجه بیشتری بکنیم که میفرماید خولودن آنگونه افراد را، که سخنان را می شنوند و از بهترین آنها پیروی میکنند، هدایت میکند، آنها خرمندند.

آزادی عقیده و منصفه ۱۷ آکراه فی الدین... (قرآن کریم): در دین اجبار و تعدی نیست

مشارکت عمووم در کار حکومت (دموکراسی): کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته - حدیث نبوی - همه شما پاسدار و همه مسئول مردمید. روزی عمر علیه مقنن در مسجد از مردم میپرسد اگر من از راه راست و درست منصرف بشوم چه میکند عربی بپایانگردد برمیخیزد و با حرکت شمشیر میگوید ها شمشیر راست میکند. این شجاعت و قدرتی است که اسلام به فرد برابر حکومت میدهد.

عدالت و دادخواهی: اذاکمتم بین الناس ان تحکوا بالعدل - کونوا قرامین له شهدا بالقدست... (در قضاوت بین مردم به عدل حکومت کنید، عدل را برقرار دارید) علم تعدی و تجاوز: فلا تنزلوا ان الله لایحب المتعدین ان الله یحب المقیظین (تعدی میکند خولودن معصیان را دوست نمیدارد خولودن عدالت پیشگانرا دوست میدارد)

حرمت شکنجه و آزار: الله ان الله انشدن القتل - الله اکبر من القتل.

عظوفت و رحمت ببدیهای یک قوم شما را به بیعدالتی نکنند (ولایجو نمک شنان قوم علی الاصلوا) بشارت باد کسانی را که از پرستش ظلموت بریزند و بخولودن روی آورند (والذین اچسنوا الطاقوت ان یهدوا و انا یواللی الله لهم البشری) کسی که از ظلم و بدی توبه کند و به صلاح بگردد خولودن توبه او را مینبرد خولودن غفور و رحیم است. به کثرت واژه های رحمن و رحیم و غفور و امثال آنها در قرآن یشید.

حقت رفت قضاتی: وقتی شهادتی علیه بدی غیر مسلمانی و اقلیت باشد باید صلاح آیداره محرم باشد بعلاوه نمی لرضان اکثریت را هم زنان تشکیل میدهند پس چرا به تساری حقوق همه افراد مسلکت

از خطای او در مجازات است. (امیرا الحودو بالشهبات ما استطعتم فان کان له مترج لفلورا سیله فان الامام ان یخطی فی المعویر من ان یخطی فی العقوبة)... خوب بفرمایید کجای این اصول و مبانی با حقوق بشر با همین اعلامیه جهانی حقوق بشر و مبانیهای مکمل آن مخالفت دارد و ناسازگار است و چرا باید حقوق بشر و «حقوق بشریها» مورد بی مهربی و تحقیر قرار گیرند. باری این اصول و تئوریهای بزرگ اسلامی است که در متن حکومت جمهوری اسلامی بما امید و نوید میدهد.

اما در عمل - در عمل مسلما علی رغم میل رهبری انقلاب - که بارها تذکر داده و انتقاد کرده اند و علی رغم خواست و نیاز ملت ایران، وضع موجود اگر نگریم پاس آفرین است دست کم موجب تشویش و نگرانی همه علاقمندان به انقلاب و تدوام سازنده آنست.

در طرح قانون اساسی که تهیه ان در شرف استام است پاره ای از اصول و مطالب مهم که بخوبی خود خوبست ولی با آنچه هم اکنون جاری و جاری است تبیین و تضاد دارد.

بند ۶ از اصل ۳ درباره «محرورگنه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» است.

اسا می بینیم چگونه کسانی و گروههایی با همان شیوه های معهود استبدادی و خودکامگی و انحصارطلبی رفتار میکنند هیچ گروهی حق ندارد قدرت را بخود منحصر سازد قدرت و حاکمیت از آن همه ملت است و همه گروهها در آن سهم اند حضرت آیه الله شریعتداری با دقت نظر خاص خود در مصاحبه اخیر با اربک رولو موخر لوموند گفته اند که روحانیت هم جزء ملت است و باید در کارها مشارکت داشته باشد. مشارکت و سهم بودن در اداره مسلکت حق هر فرد و گروهی است اما هیچوقت هیچ گروه حق ندارد قدرت را بخود منحصر سازد.

بند ۸ از اصل ۳ نیز از «مشارکت عامه در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی و اجتماعی» در فکشی سخن میگوید اصل ۲۴: «تفقیص عقیده ممنوع است هیچکس را نمیتوان بصرف داشتن عقیده مورد تعرضی و مواخذه قرار داد» اینکاش هرکس بتواند عقیده خود را آزادانه بگراید تا مفهوم عالی فبشرعادات... تحقق یابد... اصل ۳۷: «مجمیعت، جان، مال، حقوق، سکن و شغل اشخاص از تعرض معمرن است مگر در مواردی که قانون تجویز کند» اولاهین حدود تجویز قانون عالی را باید معین ساخت تا ناها وساطت دادگاه و مراجع قضائی را باید تصریح کرد تا ناها آنچه اکنون همه می بینیم و میشنومیم و از آن ربج همیم الهی عمل قرار بگیرد.

اصل ۴۰ درباره آزادی اجزاب و جمعیعت هاست. اگر اجزای و جمعیعت ها نتوانند سلطانه و بی پرده حرف خود را بزنند، اینتلوژی و سبوت خود را عرضه کنند و بحرض نفی و لغت مردم بگذارند و اگر کم یا بیش خود را نخلار به حمله و تزویر با سکوت و سکون بیاند عنوان آزادی چه سود خواهد داشت.

بخصوص که در چنین حالتی معمولاً غرضی ما حمله و تزویر را اختیار میکنند و ملی ها سکوت و سکون را.

اصولی هم در طرح قانون اساسی هست که پیشگام و نرسائی دارند.

اصل ۲۴: «هرم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان و مانند آنها سبب امتیاز نخواهد بود» آیا اختلاف درجنس، عقیده و مذهب جزء همانند اینهاست یا اینکه سبب امتیاز میشود مسئله ای که در فنیهای حاضر اینقدر مهم است چرا بصراحت گفته نشده است. در جمله ما اکثریت با مسلمانان شیعیه است پیشگام با اصول صورکراسی هم حکومت با این اکثریت خواهد بود اما این نباید موجب امتیاز گردد مسلمانان غیر شیعه و اقلیت های بدی غیر مسلمانی و اقلیت غیر مذهبی باید صلت آیداره محرم باشد بعلاوه نمی لرضان اکثریت را هم زنان تشکیل میدهند پس چرا به تساری حقوق همه افراد مسلکت



الله اکبر

بقیه از صفحه اول

خسوتی که می توانستند داشته باشند برادر لگد کوفتند و وارذ شدند و مسلطها و هفت تیرها را رو به سینه های بیش از صد و پنجاه نفر حاضران نشان گرفتند و دستها بالا...

اطراف خانه برق سرنیزه ها بود و لوله های تفنگها و مسلسلهایی که روی سه پایه ها کار گذاشته بودند. فتح الفتوح انجام شده بود. کامیونها آمدند، همه را برنند، عده ای را با دستبند و دستبند که کم آمد بقیه را با محافظ چنان وحشتی ایجاد کرده بودند که خودشان نیز گویا تحت تاثیر قرار گرفتند زیرا چند نفری توانستند در پیچ پله های راهروهای عمومی مجموعه اپارتمان بپیچند و بگریزند.

دسته اول را که در دو کامیون و محاصره در میان جیبها و تفنگداران بردن، نمایش سرهنگ ازغندی فرمانده آتمکش عملیات شروع شد. خانه را زیر رو کردند. هر چه می توانستند بیرون ریختند. پولهائی را که عده ای از حاضران همانجا برای کمک به جنبش روی گنجه کتابخانه نهاده بودند، برداشتند. رادیو و ضبط صوت را از سیم برق کتند و بیرون آوردند. چند شیشه و بطری سرکه و ایلیمو و آب یخچال آشپزخانه را آوردند. با بیسیم قیلمبردار خواسته بودند تا از این فتح الفتوح فیلم بگیرند و در تلویزیون از هاری نشان دهند.

سرهنگ ازغندی برای تماشاچیان کوچک و سربازان خود سخنرانی غزالی کرد پولها را نشان داد و گفت که حاج سیدجوادی از بیگانگان گرفته بوده است تا میان حاضران (که بیشترشان از روشنفکران از استاد دانشگاه و معلم و دانشجو تا طبیب و مهندس بودند) تقسیم کند و آنان در برابر این دستمزد شهر را به آشوب بکشند. یک ماهی و چند کیلو گوشت از یخچال آشپزخانه درآورده بود که به سربازان و تماشاچیان به علامت سرمایه داری و زندگی مرفه صاحبخانه نشان داد. صاحبخانه را دستبند زدند. رادیو و ضبط صوت و شیشه ها را کار هم چندند. عکسی از حاج سیدجوادی و پوستری از تصویر امام خمینی در کنارش گذاشتند و قیلم گرفتند که اینجا بساط میخارگی و تقسیم پول برای آشوب شهر بوده است. (البته همین فیلم و سخنرانی و پرونده سازی مسخره سرهنگ ازغندی و ساواک پس از پیروزی انقلاب دستاویز مسلمان نمایان انقلابی شد که به استناد همان نمایش همان تقصیر را به حاج سیدجوادی ببینند و به حساب خود او را از میدان به در کنند).

وقتی شوردند و گفتند بیش از صد و پنجاه نفر بوده ایم تازه دریافتم که چه مهربان در آن اطاق کوچک در کنار ما جا گرفته بودیم.

دستگردگان را از قبل از ظهر تا ساعت ۸ شب توی کامیون بی هیچ غذا و آبی در سرمای محوطه پادگان عباس آباد نگهداشتند. جا نداشتند ساعت ۸ شب خاتمه و جوانان کمتر از ۱۸ سال را رها کردند. بقیه را که ۷۶ نفر می شدیم به زندان قصر بردند. همه در دو اطاق کوچک قرنطینه ای زندان، هریک با یک پتوی پاره و روی موزاتیپک با آن هوای سرد که بیاد می کرد.

تا صبح جوانان را از خیابانی می گرفتند و دسته دسته تک خورده می آوردند. در زندان اگر تقدیر دوستانم نایب حسینی نبود همان شب اول سخت تر گذشت. بود عده ای از

گارد را خوب به دست پشت در نگهداشته بودند. به ما دشنام می دادند. منتظر عکس العمل کوچکی بودند تا بگریزند و بزنند. تجربه ای نایب حسینی از زندانهای گذشته به دادمان رسید. تا آنها عربده می کردند این ما را به سکوت و خواب امر می کرد. از آن ۷۶ نفر بجز یکی دو نفر که یا تازه کار بودند و یا عیب اوضاع را نمی دیدند، بقیه روحیه ای چون پولاد داشتند.

فرذا خبر به سایر «بنده ها رسید که جنبشی ها را آورده اند. مبارزان نظم بندها را برهم زند تا ماموران

زندان را وادار کنند چند تن از ما را به آن «بنده ها» به مهمانی ببرند. چنین شد. روز تاسوعا در فاصله یک ساعت هواخوری در حیاط زندان به تبع تصمیم عمومی راه پیمائی منظمی کردیم و فریاد الله اکبر، این صدای انقلاب ایران است سردادیم.

چنین است که هر روز و هر ساعت دوران مبارزه برای هر مبارز انقلابی تاریخی است و یادآور خاطره ای و مبارزه همچنان ادامه دارد.

درباره امنیت...

بقیه از صفحه ۳

انکار ونفی نمود. اگر در آن عصر دادرسی صورت ساده و آسانی داشت وشهادت بشود دلیل عمده اثبات دعوی بود امروز این امر بلحاظ ایجاد گوناگونیکه جامعه وافراد آن از نقطه نظر مسایل اجتماعی حاصل نموده اند، با برنامه درسی نداشت. مثلا یکبار درباره جواهرات ماری اتنوالت و بار دیگر راجع به ارواح تاریخی سخن گفت و وقتی نیز در این باب گفتگو کرد که اگر ناپلئون در تیرد و اترلو پیروز شده بود چه پیش میآمد. در خفیت همین روشها بود که بین آموخت مطالعه تاریخ تنها برای امتحان دادن نیست بلکه چیزی از زندگی عادی است و بایستی درباره آن بداندان گفتگو کنیم که گونی سخن از سیاست یا از تخمیر هواس.

با این مقدمه نخستین نظری را که میخوام در این مجلس درباره دانشگاهها اظهار کنم اینست که این موسسات را بایستی در حکم میدانهای در شمار آورد که در آن بین معلم و شاگرد تماس الکتریکی برقرار میگردد. ایجاد جرقه ای که به سیمهای مرده جان میبخشد - یا بهتر بگویم فرام آورده شریاهی که بسبب تولید جرقه میشود - اصل اساسی هر نظام آموزشی و سرفصل همه تهجیدات فرهنگ ماست. مدیرانی که به اداره امور آموزشی اشتغال دارند و مساله را در چهارچوب کلی آن در نظر میگیرند معمولا به موضوع آموزش و پرورش در قالب دهها هزار جواسی می اندیشند که در هر سال از ماشین تعلیم و تربیت خارج میشوند. اگر ما توانیم این را ترتیب ندهیم که پیوسته (در محاسبات کلی خوش) تصویر معلی را به سرگرم سربلکه زن با یک شاگرد بخصوص است در انفاخ خویش مجسم سازند. آنان را به تنگ نظری و کوتاه بینی رشتناکی محکوم کرده ایم.

موضوع بحث حاضر آن جنبه از مقاصد و علل وجودی یک دانشگاه است که من بویژه میخوام روی آن تکیه کنم و دلیل من صرفا این نیست که خود شخصاً بیش از هر چیز دیگر به این جنبه آموزشی علاقمند بلکه، علاوه بر آن، باین جهت که بنظر من بهترین جنبه آموزش و پرورش نیز همین است. حتی آنان که ممکن است این تاکید مرا احراف آمیز بدانند منکر این واقعیت نخواهند شد که غالباً این جنبه آموزش و پرورش (از آنجا که مساله ای جنبش ناپذیر است) دچار غفلت میگردد و همین رو گفتگو درباره آن دشوار میشود. درست مانند جبهه ای که نگاهداری آن در دست مشکل است و هر لحظه شکلی تازه بخود میگیرد. هنگامیکه اداره کنندگان امور آموزشی باطرز تفکر ویژه خویش هزاران دانشجو را در بررسیهای خود مطرح میسازند، توجه خود را بیشتر به تولید انبوهی و دیگر چیزهای مغرور میسراند که بسبب آوردنش از طریق کارمجمعی و سازمانی آسان است.

کارگردانان امور آموزشی بر آن سرند که باسانی میتوانند نتایج امتحانات را بررسی کنند زیرا (مثلا بدلیل اینکه میتوان از نمرات امتحانی در صد گرفت) بگماشتان با واقعیاتی مطلق و قابل لمس رویو میباشند. حال آنکه از بسیاری جهات نتایج امتحانی بیش از آنچه عموما تصور میروند تسبیب و معان دلردن من بگوش خود از سررشته داران این امور شده اند که گفتاری را که برای صدن ترتیب داده شده است به آسانی میتوان برای سبقتن ایراد کرد و بنا بر این امکان دارد که تعداد شاگردان یک دانشگاه را ناگهان به سه برابر افزایش داد بدون آنکه تعداد استادان تغییری داده شود. درواقع درحالتی بایستی بتواند دوباره مفرضات غلطی که منجر به چنین نظریه ای میگردد یک رساله بنویسد (همان مفرضاتی که ناشی از نادیده گرفتن نتایج سنجش ناپذیر آموزش و پرورش است) لیکن بدبختانه بایستی گفت که گاهی اوقات دانشجویان خودتیمندند که دانشگاه برای چیست و چنین میبندارند که علت وجودی دانشگاهها آماده کردن دانشجویان برای امتحان است.

اغیرا از یکی از سرپرستانه دانشگاه کمربند داستان غم انگیزی درباره یک دانشجو شنیدم که از او خواسته شده بود در عرض یک هفته درباره موضوع جالی تحقیق کند. جوان مزبور از این پیشنهاد برانگشته و اظهار کرده بود که در تمامی امتحانات سالهای پیش سوالاتی درباره آن موضوع نبوده است و با اینکه به نظرهای وی وقتی گذاشته شد این دانشجو در پایان هفته تکلیف خویش را انجام نداده بود در

خود برستی باور میدارند) برای خشنود کردن استاد بگویند. و این استنباط که منظور از تحصیل علم ارزش خاطر استاد، یا مسامحات با مقامات دانشگاهی یا آمادگی برای امتحانات است. همه این مسائل سبب میشود که الکتریستهای را که از آن سخن گفتیم از چشم باز دارد و از همان فعالیت های آموزشی بکاوه علاوه بر این، نتیجه این میشود که شاگردان را بکتند و از استادان خویش نهایت استفاده را بکنند و از گفتارهای دانشگاهی آنچنان که باید سود برند. وقتی دانشجویان چهار چنین اشتباهاتی میگردند معلوم نیست چگونه خواهند توانست پدران ومداران خود را از اشتباه بر آورند. یکی از مشکلات ما اینست که پدران

عوض، وی همه وقتی را که میتوانست مصروف تحقیق درباره آن موضوع کرده باشد صرف پژوهش در اوراق امتحانی سالیان پیشین ساخته بود تا به سرپرست خود ثابت کند که در بیست سال گذشته سوالاتی درباره این موضوع در امتحانات نبوده است. از جنگ جهانی دوم تا کنون بیش از هر زمان دیگری دانشجویان توقع داشته اند که همه چیز طوطی وار و صرفا توسط استادان به آنان آموخته گردد و خود دربدست آوردن دانش چندان کوششی نماند.

هواداران جنبش کرمانشاه صندوق پستی ۴۴۸

مصاحبه مطبوعاتی سازمان اسلامی شورا (ساش) روز سه شنبه ساعت ۳ بعد از ظهر سازمان اسلامی شورا (ساش) در محل باشگاه جنبش یک مصاحبه مطبوعاتی خواهد داشت. نشانی - غرب تهران - تقاطع اسکندری شمالی و فرصت شیرازی شماره ۱۵۵

دانتن بزرگترین قهرمان انقلاب کبیر فرانسه ترجمه و نگارش: ناصر نجفی منتشر شد. از کتابرویشیای متر خریداری فرماید

جنبش دوران قبل از انقلاب از ۱ تا ۲۷ در یک جلد بیهای ۳۰۰ ریال با ارسال ۲۲۵ ریال بشماره ۹۹۴ بانک تهران شعبه کندنی بنام جواد پوروکیل یک جلد ارسال خواهد شد نمایندگان شهرستانها مقدر مصرفی را اعلام فرمایند

به زودی منتشر می شود

انقلاب پرتقال نوشته: مجید کبیر ترجمه: پروم فروشیانی نام خانوادگی شهر خیابان کوی شماره برای دریافت یک دوره (جلد اول و دوم در ۷۴۰ صفحه) در ۲۵۰۰ ریال بری سلاطین فورم (یا قترکبی) فوق را بپارس روزنامه جنبش - تهران خیابان فرصت شیرازی شماره ۱۵۵ بفرستید بهاد یک دوره ۵۰۰ ریال. خوانندگان جنبش فقط مبلغ ۲۵۰ ریال بخصاب ۳۷۲ بانک صادرات تهران شعبه ۷۵۶ بنام عربستان بی سلاطین واریز نمایند



روحیات من اختیار کرده بود بعدها، هنگامیکه خود من نیز سرپرست شده بودم وی به من گفت که هنر بزرگ و روش مطلقا ضروری برای توفیق در این کار اینست که انسان بیشتر وقت جلوسات را در اختیار دانشجو گذارد و وی را تشویق به گفتگو کند. تنها ایرادی که من میتوانم به این شیوه مرفیه وارد کنم این حقیقت است که وی - که واقعا سرپرستی سخت دوست داشتنی و شگفت انگیز بود - هرگز آن را در مورد خود من بکار نبرد. در سالهای بعد من و دیگر شاگردانش گاهی اوقات درباره او گفتگو می کردیم زیرا بسیاری از ما از توفیق کم نظیر او در تربیت شاگردانش (نه تنها در سرپرستی صرف از آنان، بلکه همچنین در نتایج مطلوبی که شاگردانش در امتحانات حاصل میکردند) در شگفت بودیم. بر اثر این گفتگوها به این نتیجه رسیدیم که در هر صورت وی دانشجوری عالیهام بود و درست به همین دلیل رفتار کلی او همچون رشته ای برگزینان ما را به سراط مستقیم رهنمون میشد. او با مهارت خاص ما را به اقدام و کوشش شخصی ترغیب مینمود و ما را برمی انگیزد که کاری کنیم که این انسان غول آسا را تحت تاثیر قرار دهیم. من یقین دارم که هرگز شیوه وی حرف و مو حرف بر زبان نماند (۳) نپوسترانی چنین تاثیر برقی آسانی داشته باشد. گذشته از آنکه مسلمان روش تدریس وی جنبه های قوی تر و مثبت تر

# دانشگاه

بقیه از صفحه ۶

ومادران. خود از درک هدفهای دانشجویان عاجزند. آنان اهمیت کوششهای دانشجویی را در حین تدریس درک نمیکنند، چه رسد به آن نقش تطبیقات را تمیز دهند (۴). اگر فروغ افکار عمومی بیش از این میبود که هست، دانشگاهها نیز میتوانستند به از این که هستند باشند.

معمولا چنین تصور می شود که توانایی دماغی برای تحصیل علم و دانش مطلقا نتیجه عوامل ارثی و یا بهر حال مولود شرایطی است که مذهب پیش از ورود به دانشگاه میباید، حال آنکه درست تر آن است که این توانایی را ساخته (یا پرداخته) حوادثی بدانیم که در دوره آموزش و پرورش انجام میگردد. یک زمره محبت میتوانست استعداد نیروی کسب دانش را در نوبه ای بوجود آورد، همچنانکه یک شیطان صفتی صرف نیز قادر است که یکی را از آن معلوم سازد (چنانکه این کار از دست یک معلم ناپاک ساخته است). تشویق جوانان به افزودن بر صلاحیت علمی خود و ترغیبشان به کوششهای ارزشمنی که ممکن است خود را قادر به انجام آن ندانند از جمله کارهایی است که ممکن است - همچون مسابقه ای که بدون شرکت داور انجام پذیرد - نیازند به روشهای ماکیاویستی باشد. (۵) من در تجربه خویش هم دانشجویان افتاده و بی حالی را دیده ام که ناگهان در محیط دانشگاه جان یافته اند و هم کسانی را که تنها پس از خروج از دانشگاه سرمت دماغی و علمی یافته اند. توفیق کم نظیر هارولد تمپلر (پیش از آنکه من شاگرد او شوم) مرا یادآور میشود که چه بسا استعدادهای نهفته ای که بر اثر نبودن یک تمپلر هنر

شده و در نتیجه نبودن محرک کافی رشد نیافته است. تردیدی نیست که دانشگاههای امروز بهتر از هر زمان دیگری موضوعات درسی را به دانشجویان میآموزند ولی باید دید که آیا قادرند که در عین حال استعداد دانشجو را از حالت بالقوه به صورت بالفعل درآورند و نهایت تحرک را برای کار و کوشش فردی (و بدون اتکاء به دیگران) در او ایجاد کنند؟

در سالهای اخیر که من اندکی بیش از معمول سرگرم امور علمی و دانشگاهی بودم، به همه نظراتی که از دیدهای خارج از دانشگاه در باره مسائل دانشگاهی ابراز شده است توجه داشتم. بعضی از صاحبان صنایع بر آن سرزد که فراورده های مورد نیاز امروز، جوانانی میباشند که تا حدی معین از صلاحیت علمی و فننی برخوردارند. بنظر این گروه مسأله اساسی اینست که جوانان به تعداد زیاد و در اسرع وقت کار آموخته شوند، و اگر بر اثر روش از نظر علمی طراز اول نباشند جای ایرادی نیست. برخی دیگر از ارباب صنایع را عقیده بر این است که جوانان دست پرورده ما، حتی آنان که نتیجه امتحانهاشان خوب بوده است، معمولا در چارچوب محدودی آموزش یافته اند و این شرایط را در قالب دروس دانشگاهی از خود لیاقت و صلاحیت نشان می دهند و در اغلب اوقات از سرعت کافی در تطبیق خود با محیط و یا، به عبارت دیگر، از انعطاف ذهنی، بهره ای ندارند (۶). این دو نظر تنها دو نمونه خاصی از مظاهر نشانه های این حقیقت است که در باره آموزش و پرورش عقاید بسیار متنوع وجود دارد. و این هر دو معیار نیز مسأله را چنان مطلق گرانه مطرح می سازند که با

انتخاب ضوابطی مشابه میتوان روشی را که یک دانشگاه هرگز نباید در پیش گیرد، و شیوه ای را که انتقاد آن برای یک دانشگاه ضرورت مطلق دارد از یکدیگر تمیز داد. روش نخستین اینست که مقاصد دانشگاهی به دادن ورقه ای به دانشجوی مینی بر توفیق وی در آموختن برنامه درسی اکتفا کنند. ولی شیوه دوم اسباب و عوامل را فراهم میکند که بر اثر آن دانشجو در حین آموختن دروس خویش ثمرات دیگری نیز بدست میآورد. در این مورد تحصیل دانشجو تنها منحصر به آموختن دروس دانشگاه نخواهد بود، زیرا علاوه بر آن گوهر شایسته ای را به چنگ خواهد آورد که با فراموش کردن مسائل درسی از دستش نخواهد داد و درخشش آن (حتی پس از غروب اقتاب محفوظات درسی، دوام خواهد یافت.

من که یک استاد تاریخم هنگام برخورد با بعضی از شاگردان قدیمی خویش پیوسته از اظهار فضل آنان در باره چیزهایی که مثلا من در سی سال پیش راجع به لونی چهاردهم (پادشاه فرانسه) به آنان آموختم رنج میبرم، زیرا در اثنای این سی سال دانش ترقی کرده است و من پیر شده ام. و این شاگردان من نیز آنچه را پیش از هر چیز دیگر آرزو داشتم بیاموزند یاد نگرفته اند: وان اینکه اگر کسی کارش تا آخر عمر مطالعه تاریخ نباشد بایستی بداند که بهتر است بعضی چیزها را فراموش کند. دانشجو ممکن است متون درسی تاریخ را از بر کند و امتحانات خود را نیز بگذراند ولی اگر از ماهیت دانش تاریخی و راه درست استفاده از آن بی خبر باشد در حقیقت زیان برده است. من گاهی با خود می اندیشم که اگر نسل گذشته ذهن خود را تا بدان پایه از تاریخ قرن نوزدهم نیاپاشته بود (و در نتیجه توهمات خود را از آینده بر اساس گذشته قرار نمیداد) و در عوض به تحقیق عمیق تری در باره فرآیندهای که سیر تاریخ

کسب اطلاعات خویش چنان متکی به منابع معمولی خود بوده اند که از انقلابی که در جلو چشمان درحال تکوین بوده است بیکسره غافل مانده اند (حال آنکه در همان زمان افرادی عادی که برای سیاحت بان کشورها رفته اند در نامه های خصوصی خود اوضاع و احوال را بدستی برای خویشاوندانشان شرح کرده اند) بعضی اوقات که یک قدرت خارجی به عملی پیش بینی نشده دست می یازد، دولت ما چنان شدت از آن عمل انتقاد میکند و با آن زرنگی آن قدرت درخشم میشود که انسان حدس میزند حتی آنان که مسئولیت اداره این کشور را برعهده دارند از ماجرا بکلی بی خبر بوده اند. گاهی که من کتابهایی را میخوانم که در نظرم حاوی نظمی نو و یا ترکیب تازه ای از عقاید و اندیشه هاست و سپس بنظر نقد نویسان مراجعه میکنم، از دیدن اینکه آنان درصدد بررسی خود تصمیم خویش را درباره کتاب مزبور گرفته و آن را در یکی از قالیهای چاپی خود قرار داده اند برآشفته می شوم. ناراحتی من هنگامی شدت مییابد که مشاهده میکنم که در چند خط پانین، تری، آقای نقد نویس از اینکه کتاب مورد بحث کاملا در قالب برگزیده لو جایگزین نشده بخشم آمده است. پژوهنده ای که همیشه با یک قالب معین ذهنی کار خود را آغاز میکند این توانایی را دارد که اطلاعات تازه ای گرد آورده کوشش نماید که آن را در قالب کهنه خویش بگنجاند، بدون آنکه خرداشته باشد که آنچه نیاز به تغییر دارد همان قالب است. این روش تفکر و پژوهش مانع از این نمیشود که تحقیقات نوتری در تاریخ از آن قبیل تحقیقات حتمی آن داستانی قدیم یا شیوه ای دانسته را با جزئیات بیشتری تشریح میکنند (صورت پذیرد. علاوه بر این، اتخاذ این روش مانع از آن نخواهد شد که زمانی دانشمندان ما شین های بزرگتر از بزرگی بسازند و (درجای آن) یک گالیه میتوانستند صدمان را با یک

### ۲- حق ایجاد اتحادیه های صنفی و عضویت در آنها طبق مقررات

خود اتحادیه ها و لاغیر.

### ۳- حق تشکیل قدراسیونها یا کفدراسیونها از اتحادیه های مزبور

و حق تشکلی یا عضویت این قبیل قدراسیونها یا کفدراسیونها در اتحادیه های بین المللی.

### ۴- حق ایجاد و توسعه تعاونی های کاری و تولیدی.

### ۳۲- حق اعتصاب برای عموم کارگران محفوظ است. این حق با رعایت قوانین مربوطه اعمال خواهد شد.

### ۳۳- هر فردی حق دارد از تأمین اجتماعی برخوردار باشد، در رابطه با حقوق لایتنجاری حیثیت انسانی و رشد شخصیت ارضا شود، از سطح زندگی قابل قبول برای خود و خانواده اش که تضمین کننده سلامت و رفاه بویژه از بابت تغذیه، پوشاک، مسکن، پوشش درمانی و خدمات اجتماعی ضروری و نیز خدمات اجتماعی در صورت عدم اشتغال، بیماری، زایمان، نقص عضو، از دست دادن همسر، کهولت، مرگ، درگذشت ولی، سوانح شغلی و از دست دادن وسیله معاش است بهره مند گردد.

### ۳۴- خانواده واحد طبیعی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت برخوردار باشد.

از دواج بر اساس توافق دوطرفه زن و مرد صورت میگیرد و در روابط خانوادگی برابری مطلق حقوق و مسئولیتها بین زن و مرد حاکم خواهد بود.

### در صورت فسخ ازدواج حمایت لازم از اطفال تأمین خواهد شد.

والدین موظفند در مورد تعلیم و تربیت اطفال خود احساس مسئولیت کنند، آنها را برای امریکه از لحاظ اجتماعی مفید است آماده سازند و بعنوان اعضائی مناسب و موثر برای جامعه تربیت شان کنند. اطفال وظیفه دارند که والدین خود را یاری دهند.

### ۳۵- هر بچه ای حق دارد که بدون هیچگونه تبعیضی از وسایل حمایت مورد لزوم در شرایط صفر سن چه وسیله والدین و چه توسط جامعه و دولت برخوردار باشد.

مسئولیت والدین در قبال اطفال مشروع و نامشروع یکسان است. هرگونه توصیف و تعبیر شخصی از ماهیت مشروعیت در این مورد ممنوع است. حق تحقیق در زمینه احراز نسبت پدری محفوظ است.

### ۳۶- دولت بدون هیچگونه تبعیضی در رابطه با مشروعیت یا سایر شرایط اقدامات ویژه ای جهت حمایت و یاری کودکان و نوجوانان اتخاذ خواهد کرد.

کودکان و نوجوانان باید در قبال هر نوع استثمار اقتصادی یا اجتماعی مورد حمایت قرار گیرند. به کار گرفتن کودکان یا نوجوانان در مشاغلی که از نظر جسمی یا اخلاقی زیان بخش است یا حیات آنها را مورد تهدید قرار میدهد یا به رشد متعارف یا اوقات رسمی تعلیم و تربیت آنها آسیب وارد میکند، ممنوع است.

### ۳۷- مادران بمدت قابل قبولی قبل و بعد از زایمان مورد حمایت ویژه دولت خواهند بود. در مدت مزبور مادرانی که کار میکنند باید از حقوق و تأمین اجتماعی کافی برخوردار باشند. فرزندان خردسال مادران شاغل باید در طول ساعت کار آنها مورد مراقبت قرار گیرند.

### ۳۸- دولت حق اساسی اتباع نیکاراگو را از جهت حمایت در برابر گرسنگی می پذیرد و برنامه های شرح زیر بمنور اجرا خواهد گذاشت:

#### ۱- تغذیه کودکان.

۲- ریشه کنی سوء تغذیه مزمن و تأمین ارزاق عمومی ببعیزان کافی و توزیع عادلانه آنها.

#### ۳- آموزش تغذیه بمنظور بهبود وضع آن از طریق نشر اطلاعات مربوط به اصول تغذیه.

#### ۳۹- اتباع نیکاراگو حق دارند از بالاترین سطح سلامت جسمی و روانی برخوردار باشند. دولت بمنظور دستیابی به اهداف زیر وظیفه دارد اقدامات مقتضی بعمل آورد:

#### ۱- کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان و همچنین رشد

# بیانیه جدید حقوق اساسی نیکاراگو

بقیه از صفحه ۸

سالم آنها.

#### ۲- اصلاح تمامی جهات سلامت حرفه ای و محیطی.

۳- پیشگیری، درمان و ریشه کنی امراض مسری و بومی و بیماریهای محیط فعالیتهای شغلی.

#### ۴- ایجاد شرایطی بمنظور تأمین کمکها و خدمات پزشکی برای تمامی افراد.

۵- توسعه هر دم افزون و منظم ورزش از طریق ایجاد همه نوع تسهیلات لازم.

#### ۴۰- هر فردی حق برخوردارگی از آموزش و پرورش را داراست.

(۲) آموزش ابتدائی و متوسطه رایگان، اجباری و در دسترس همگان خواهد بود. آموزش اساسی حداقل در مورد افرادی که قبلا فرصت تکمیل دوره ابتدائی را پیدا نکرده اند لازم الاجراست. آموزش متوسطه شامل تعلیمات فنی و حرفه ای بمنظور فراهم آوردن توانائی های مربوط به حرف و کسب دانش نسبت به واقعیه های مربوط به نیکاراگو برای همگان خواهد بود. بین آموزش و کار رابطه نزدیکی برقرار خواهد شد. آموزش عالی نیز باید بر بنیاد لیاقت های افراد و از طریق کار برد وسایل مناسب، بویژه توسعه مستمر تعلیم و تربیت رایگان، بطور برابر برای همگان فراهم گردد.

#### (۳) امور بیسوادی بعنوان یک مصلحت اجتماعی و از جمله مسئولیت های کلیه اتباع نیکاراگو اعلام میگردد.

(۴) آزادی والدین در انتخاب مدارس و دانشگاه های غیر دولتی، مادام که موسسات مزبور با حداقل ضوابط مصوب دولت از بابت مواد آموزشی منطبق بوده و برنامه های آموزش ملی را دقیقاً رعایت نمایند، مورد احترام خواهد بود. حق افراد یا سازمانها برای ایجاد یا اداره موسسات آموزشی بشرط رعایت الزامات فوق محترم است. دولت نظارت بر کلیه مراکز آموزشی را در کشور بر عهده خواهد داشت. بمنظور اطمینان از اجرای صحیح سیاست آموزشی دولت و برنامه های آموزش، این نظارت مستمرا اعمال خواهد شد.

#### (۵) میزان شهریه مدارس دولتی باید به تایید دولت برسد و در هیچ موردی کسب سود مینائی کار مراکز فراگیری نخواهد بود.

(۶) دولت موظف به تهیه امکانات تغذیه در مدارس، پوشاک، کفش، لوازم و کتب درسی برای همه دانش آموزان نیاژمند است.

#### ۴۱- آزادی آکادمیک و آزادی پژوهشی بعنوان اصول ضروری در تمامی زمینه های آموزشی و تربیتی تضمین میگردد.

دانشگاه ملی نیکاراگو دارای استقلال آموزشی، اداری و اقتصادی است تا بتواند پاسخگوی نیازمندهای در زمینه دگرگونی کشور در قالب برنامه های ملی باشد. دولت امکانات اقتصادی لازم را جهت توسعه برنامه های آموزشی خلاق و پژوهشهای علمی واقعی به مقصود در رابطه با واقعیه های ملی در اختیار دانشگاه مزبور قرار خواهد داد.

#### ۴۲- بمنظور هماهنگی کلیه امور مربوط به آموزش عالی در کشور شورای ملی آموزش فوق دبیرستان مرکب از همه موسسات در این سطح به سرپرستی وزارت آموزش و پرورش تشکیل خواهد شد.

۴۳- دانشگاه ملی مستقل نیکاراگو تنها موسسه ای است که بنام

### دولت در مورد ارزیابی و تأیید دانشنامه ها و گواهینامه های دانشگاهی

از موسسات خارجی، تصمیم گیری خواهد کرد. ضوابط مربوط به تأیید صلاحیت و اعتبار تحصیلی اتباع نیکاراگو و خارجیانی که از موسسات خارجی فارغ التحصیل میشوند بر مبنای روابط متقابل و طبق موافقتنامه های بین المللی در این زمینه، بوسیله قانون معین خواهد شد.

### ۴۴- تربیت آموزگاران دوره کودکانی و ابتدائی انحصاراً بمعهد دولت خواهد بود. تربیت معلمان دوره متوسطه نیز در زمره اولویتهای دولت قرار خواهد گرفت.

۴۵- همه افراد حق مشارکت در زندگی فرهنگی و بهرمندی از مواهب دستاوردهای علمی را دارند. دولت آزادی گریزناپذیر پژوهشهای علمی و ابتکارات خلاق را محترم خواهد شمرد و حمایت از علائق اخلاقی و معنوی افرادی را که به خلق آثار علمی، ادبی یا هنری اشتغال دارند تضمین خواهد کرد.

۴۶- دولت موظف است اقدامات لازم را، جهت حفظ، توسعه و نشر علوم و فرهنگ تربیتی که متضمن رشد کامل شخصیت انسانی و حیثیت ذاتی او و تقویت احترام نسبت به حقوق بشر و دگرگونی جامعه نیکاراگو باشد، بعمل آورد. مورثیت تاریخی، فرهنگی و هنری ملت از طریق قوانین مقتضی مورد حمایت قرار خواهد گرفت.

۴۷- هیچکدام از اصول این بیانیه به ترتیبی که متضمن اعطای حق به دولت، گروهها یا افراد جهت اجرای اعمال یا فعالیتها غیرقانونی منجر به سرکوبی هر یک از حقوق و آزادیهای مصرح در آن با ایجاد محدودیتهائی سوی محدودیتهای فوق الذکر، باشد، قابل تفسیر نیست. اقدامات قانونی در جهت مجازات جرائم یا استرداد اموالی که تحت رژیم دیکتاتوری سوموزاسرفت شده و یا به طرق نامشروع بدست آمده باشد از این قاعده مستثنی است.

۴۸- تأمین حقوق و آزادیهای افراد از اجرای کامل وظایف و تکالیف آنها در قبال جامعه جزائی ناپذیر است.

۴۹- تحت شرایط استثنائی یا موقعیتهای اضطراری که حیات ملت مورد تهدید است از قبیل جنگهای بین المللی یا داخلی و یا احتمال وقوع آنها یا بدلیل مصیبت باروی نظم و امنیت عمومی، شورای دولت با سبزی ملی می تواند اقداماتی اتخاذ کند که بر اثر آن در بخشی از کشور یا سراسر آن حقوق مصرح در این بیانیه و فعالیتها ناشی از آن بحالت تعلیق در آید. زمان محدودیتهائی از این قبیل محدود بوده و تمدید آن تابع شرایط حاکم بر کشور خواهد بود. حقوق و ضمانت های مندرج در مواد ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۱۲، پاراگراف اول ماده ۱۷ و مواد ۱۹ و ۲۶ بهیچ عنوان تعلیق بردار نیست.

۵۰- کلیه افرادی که حقوق و آزادیهای آنها به ترتیب مصرح در این بیانیه یا بیانیه مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۸ مورد تجاوز قرار گرفته باشد می توانند برابر قانون تقاضای جبران خسارت نمایند.

۵۱- در مورد اشخاصی که از بابت جرائم موضوع قانون جزاومیشاقتی بین المللی که در دوران رژیم سوموزا اتفاق افتاده است، مورد تعقیب هستند، حقوق و ضمانتهای مصرح در این بیانیه بمدت ۶ ماه از تاریخ امروز بحالت تعلیق در میآید. این تعلیق شامل حقوق و ضمانتهای موضوع ماده ۲۹ این بیانیه نمی باشد.

۵۲- این بیانیه با اعلام دروسایل ارتباط جمعی ضمانت و اعتبار اجرائی پیدا میکند و در روزنامه رسمی نیز منتشر خواهد شد.

بتاریخ ۲۱ اوت ۱۹۷۸، سال رهائی ملی، درمانانگوا صادر گردید.

اعضای شورای دولت بازسازی ملی جمهوری نیکاراگو

# بیانیه جدید حقوق اساسی نیکاراگوآ

ترجمه: قدرت الله معمارزاده

آنچه ذیلا از نظر خوانندگان میگذرد متن کامل لایحه حقوق اساسی مردم نیکاراگوآست. این سند که در مطبوعات بین المللی بعنوان

«بیانیه حقوق اساسی» توصیف شده است در تاریخ ۲۱ اوت ۱۹۷۹ از طرف دولت بازسازی ملی نیکاراگوآ صادر شد و بلافاصله مرحله اجرا

درآمد. ترجمه حاضر بر اساس نسخه رسمی که در ماناگوآ در اختیار مطبوعات قرار گرفت بعمل آمده است.

**درخواست میزبان:**  
 ۱- تا زمانیکه حکم رسمی محکمه دال بر محکومیتشان صادر نشده بیکانه محسوب خواهند شد;  
 ۲- بدون تاخیر در برابر دادگاه صالح محاکمه خواهند شد. اگر چه در پاره ای موارد استثنائی و بدلائل اخلاقی، نظم عمومی یا امنیت ملی تمام یا قسمتی از محاکمه می تواند بدون حضور تماشایی یا خبرنگار صورت گیرد، مهذباً محاکمات عموماً باید علنی باشد;  
 ۳- شرکت متهم در محاکمه از ابتدای جریان دادرسی تضمین خواهد شد;  
 ۴- به متهم فرصت داده خواهد شد که بطور واقعی و موثر در تمهیدات مربوطه دخالت نموده و زمان و عوامل کافی برای ترتیبات دفاعی در اختیار داشته باشد. در صورتیکه متهم در مقدمه امر دادرسی وکیل مدافع معرفی نکند و خود او نیز وکیل مدافع نبوده باشد بلافاصله از طرف دادگاه یک نفر وکیل مدافع رسمی برای دفاع از او منصوب خواهد شد;  
 ۵- در مواردی که با وجود اعلام و درخواست عمومی کسی برای دفاع از متهم حاضر نشود دادگاه راسا نسبت به انتصاب وکیل مدافع اقدام خواهد کرد;  
 ۶- متهم قبل از صدور هرگونه حکمی از طرف دادگاه حق دخالت در ارائه یا بررسی همه مدارک و شواهد را خواهد داشت;  
 ۷- متهم را نمیتوان مجبور کرد که علیه خود شهادت دهد یا اعتراف به گناه کند;  
 ۸- نمیتوان در مورد متهم حکم مجازات زندان صادر کرد مگر اینکه تمام عوامل جرم بطور کامل به اثبات رسیده و امارات و قراین همقین برای ثبوت ارتکاب جرم وجود داشته باشد و حکم حبس باید تا ده روز پس از حکم بازداشت صادر شود.  
 ۹- کلیه افرادی که محکومیت مییابند حق دارند نسبت به رای صادره و مجازات ناشی از آن، بترتیبی که قانون تعیین میکند در برابر دادگاه بالاتری فرجامخواهی نمایند.  
 ۱۰- در رابطه با جرمی که متهم از بابت آن قبلاً محکومیت یافته یا تبرئه شده محاکمه مجدد قرار نخواهد گرفت.  
 ۱۱- به حیظه صلاحیت قضائی دیگری انتقال داده نخواهد شد.  
 ۱۲- هیچکس را نمیتوان از بابت اعمال یا غفلت هایی که در زمان ارتکاب بموجب قوانین ملی یا بین المللی جرم شناخته نشده است، محکوم کرد. همچنین هیچ مجازاتی را نتوانند تا آنچه در زمان وقوع جرم قانوناً قابل اجرا بوده نمیتوان برای محکوم در نظر گرفت. در صورتیکه براساس تجدید نظر بعدی در قانون مجازاتی سبکتر از آنچه در زمان وقوع جرم قابل اجرا بوده است برای جرم مربوطه در نظر گرفته شده باشد، مجازات اخیر در مورد محکوم مجری خواهد بود.  
 ۱۳- در مورد جرائمی که قانون تعیین کرده است محاکمه با حضور هیات منصفه بعمل خواهد آمد.  
 ۱۴- هیچکس را نمیتوان تنها در رابطه با عدم توانائی در انجام تعهدات اقتصادی، بترتیبی که تعهد مربوطه انجام نگرفته باشد، زندانی کرد.  
 ۱۵- کلیه افراد مقیم در خاک نیکاراگوآ حق دارند آزادانه به هرجا که مایل باشند بروند و نیز در انتخاب محل سکونت خود آزادند. اتباع نیکاراگوآ در ورود به کشور و خروج از آن آزادند.  
 ۱۶- کلیه افرادی که بدلیل مبارزه در راه صلح و عدالت یا تامین حقوق انسانی، مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افراد گروهها مورد تعقیب هستند حق پناهندهائی در نیکاراگوآ را دارند. در صورتیکه بهر دلیلی تصمیم به اعراج پناهنده ای گرفته شود، نمیتوان او را به کشوری که احتمال تعقیب او در آن کشور می رود اعزام نمود. تحویل مجرمین بر مبنای قانون و معاهدات بین المللی خواهد بود و در موارد مربوط به جرائم سیاسی یا جرائم عالی که بر اساس ضوابط نیکاراگوآ مرتبط با اعمال سیاسی باشند هرگز اجرا نخواهد شد. در رابطه با امر تحویل مجرمین، کشتار و قتل عام جرم سیاسی تلقی نخواهد شد.  
 ۱۷- در نیکاراگوآ قبول و شناخته شدن شخصیت و اهلیت حقوقی هر فرد وانسانی از جمله حقوق اوست. هیچکس را نمیتوان به انجام کاری که قانوناً آزادی نیست مجبور کرد یا از انجام کاری که منع قانونی ندارد بازداشت. با این ترتیب جز در مورد انجام تکالیف یا استتکاف در چهار چوب الزامات مربوط به وحدت همیوندهای بشری، وظیفه رفتار به شیوه برادری، احترام به حقوق و آزادیهای دیگران و الزام به مطابقت با اصول اخلاقی، و نظم و رفاه عمومی در یک جامعه دموکراتیک، حتی در صورتیکه تکالیفی از این قبیل بصراحت در قوانین بیان شده باشد، ضرورت انبی هرگونه دین ما تکلیف شخص یا خانواده ای تنها بر اساس قانون خواهد بود.  
 ۱۸- زندگی خصوصی، خانوادگی و محل سکونت افراد و مکاتبات و مطابقت اشخاص نیز حریت و اعتبار افراد مصون از مداخله و تعرض است و قانون وسایلی حمایت در قبال این قبیل مداخلات و تعرضات را فراهم خواهد کرد. بویژه:  
 الف - اقامتگاه افراد و تسایر خطرتکاهای او مصون از تعرض است و تنها با اختیار حکم کتبی قضائی صالح و با منظور جلوگیری از فرج یا اختلالی جرائم یا صدمه به افراد یا اموال، به ترتیبی که قانون تعیین میکند میتوان این قبیل امکن را مورد بازرسی قرار داد.  
 ب - اسناد و مکاتبات و مخاریات خصوصی مصون از تعرض است. موارد و شرایط بازرسی یا ضبط اسناد خصوصی، دفاتر مالی و مدارک مربوط به آنها بشکلیکه انجام آن در رابطه با ضرورت روشن شدن

شورای دولت بازسازی ملی جمهوری نیکاراگوآ با در نظر گرفتن اینک:

۱- عدم رضایت مستمر حقوق اساسی ملت نیکاراگوآ و حقوق فردی آحاد جامعه از طرف دیکتاتوری سوموزا به اعمال وحشیانه ای منتهی شد که وجدان بشر را جریحه دار ساخته است؛ و  
 ۲- آزادی، عدالت و صلح میثتی بر شناخت و استقرار قطعی حقوق اساسی انسان در سطوح فردی و اجتماعی آنست که برای تحقق آن دولت انقلابی موظف به حمایت حقوق مزبور است؛  
 به اعتبار اختیارات مسلم خود، بیانیه مصوب حقوق اساسی مردم نیکاراگوآ را بشرح ذیل اعلام میدارد:

**فصل اول**  
**حقوق مردم**  
 ۱- مردم در زمینه تعیین سرنوشت و موضع سیاسی خود و تامین وسایل رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از آزادی و حق انتخاب تام برخوردار خواهند بود.  
 دولت مشارکت مستقیم مردم را در اداره امور اساسی کشور، در سطوح ملی و محلی، بموجب قانون تضمین خواهد کرد.  
 ۲- نیکاراگوآ نیکاراگوآ را در جهت نیل به اهداف خود حق دارند که نسبت به شیوه استفاده از ثروت و منابع طبیعی خویش، بی آنکه به تعهدات ناشی از همکاریهای بین المللی مبتنی بر اصل انتفاع متقابل، همبستگی و عدالت بین المللی اسپیی وارد شود، آزادانه تصمیم بگیرند. مردم نیکاراگوآ را تحت هیچ شرایطی نمی توان از وسایل معیشت شان محروم نمود.

**فصل دوم**  
**حقوق مدنی و سیاسی افراد**  
 ۳- کلیه افراد در برابر قانون مساویند و حق دارند از حمایت قانونی برابر برخوردار باشند. هیچ تبعیضی بر مبنای اصل و نسب، نژاد، رنگ پوست، جنس، زبان، مذهب، عقیده، موقعیت اقتصادی یا هرگونه شرایط اجتماعی دیگر مجاز نخواهد بود.  
 دولت موظف است از کلیه وسایل و عواملی که در اختیار دارد در جهت رفع موامنی که بر سر راه تحقق برابری واقعی شهروندان و مشارکت آنها در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور قرار دارد، استفاده کند.

۴- دولت باید حقوق مطرح در این فصل را در مورد تمام اشخاصی که در محدوده ارضی و قضائی آن هستند محترم شمارد و تضمین کند. خارجیانی که دخالت در امور سیاسی کشور را ندارند.  
 ۵- حق حیات مصون از تجاوز و ذاتی فرد بشری است. در نیکاراگوآ مجازات اعدام جاری نخواهد بود.  
 ۶- احترام به اصالت و تمامیت بدنی، روانی و اخلاقی حق همه افراد است. هیچ فردی را نمی توان مجازات کرد مگر در صورت سرپیچی از قانون.  
 در مورد هیچکس نمی توان شکنجه یا مجازات یا رفتاری که ظالمانه، غیر انسانی یا موجب تحقیر باشد، اعمال نمود. هیچ مجازات یا مجازاتهایی که زمان اجرای آنها جزا یا کلا از سی سال تجاوز کند مجاز نیست.

۷- هیچکس را نمی توان به خدمت اجباری واداشت یا مجبور به انجام کاری نمود. تنظیم کار یا خدمات اجباری ناشی از احکام قضائی بعهده قانون است. آزادی مشروط انجام وظیفه لشکری یا کشوری، خدمات مورد نیاز در شرایط خطر یا حوادث مصیبت یار که حیات یا رفاه افراد جامعه مورد تهدید قرار گرفته و همچنین کار یا خدماتی که بخشی از تکالیف مدنی عالی است، در محدوده شمول این قبیل موارد خواهد بود.

۸- آزادی و امنیت فردی حق همه افراد است. هیچکس را نمی توان خورساره توقیف یا زندانی کرد و با از آزادی محروم ساخت مگر به دلالی که بموجب قانون مشخص شده و با مراعات تمهیدات قانونی. در نتیجه:  
 (۱) دستگیری افراد تنها بموجب حکم بازداشت کتبی توسط قضائی صالح یا مقاماتی که بطور مصرح و مشخص اختیار قانونی دارند قابل اجراست مگر در مورد جرائم مشهود.  
 (۲) بازداشت شونده حق دارد:

الف - از علت دستگیری، اتهام، شکایت و موارد آنها بلافاصله اطلاع حاصل کند  
 ب - تا بیست و چهار ساعت به مراجع صالحه معرفی شود و در غیر اینصورت آزاد گردد.  
 ج - با احترامی که منبعت از حیثیت ذاتی انسان است با او رفتار شود.  
 د - در صورتیکه دستگیری یا حبس غیر قانونی بوده مطالبه غرامت کند.

۹- مهمانی که در انتظار محاکمه اند در مرحله بازداشت از زندانیان محکوم و نیز زنان از مردان جدا خواهند بود و با هر کلام متناسب با شرایط و مقتضیات مربوطه رفتار خواهد شد. کودکان را تنها در دادگاه اطفال میتوان محاکمه کرد و در هیچ مورد آنها را نمی توان به زندانهای عمومی اعزام کرد. برای نگهداری آنها مراکز اصلاح زیر نظر وزارت رفاه اجتماعی ایجاد خواهد شد.  
 ۱۰- هدف بنیادی از حبس اصلاح و بازسازی اجتماعی محکومان و بازگرداندن آنها به جریان زندگی نرمیش خواهد بود.  
 ۱۱- کلیه متهمان از حداقل ضمانتهای زیر، بر مبنای مسلمات،

**فصل سوم**  
**حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد**  
**بخش اول - حقوق اقتصادی**  
 ۲۸- حدود ضمانت این حقوق را در مورد اتباع سایر کشورها قانون با توجه به مقتضیات اقتصاد ملی تعیین خواهد کرد.  
 ۲۹- کار حق و مسئولیت اجتماعی فرد است. تامین اشتغال کامل و مولد برای تمام اتباع نیکاراگوآ تحت شرایطی که تضمین کننده حقوق اساسی فرد بشری بوده باشد، از وظایف دولت است.  
 ۳۰- کلیه افراد حق دارند از شرایط عادلانه و رضایت بخش شغلی که به ویژه موارد زیر را تضمین کند، بهره مند باشند:  
 الف - تامین حق الزحمه که تامین کننده حداقل عوامل زیر بوده باشد:  
 ۱- حقوق یا دستمزد برابر در قبال کار مساوی که تحت شرایط کارائی مشابه صورت گیرد و بدون تبعیض از حیث جنس یا مسئولیتهای اجتماعی صاحب شغل مطابقت داشته باشد.  
 ب - شرایط زندگی آبرومند برای صاحب شغل و خانواده او.  
 ج - بهداشت و سلامت حرفه ای در محیط کار.  
 د - حق ارتقاء شغلی برابر در رده شغلی مربوطه بدون هیچگونه ملاحظاتی سواى سابقه کار و لیاقبت.  
 ۲- استراحت. استفاده از اوقات فراغته محدودیت معقول ساعات کار و استفاده از مرخصی منظم با استفاده از حقوق یا دستمزد بترتیبی که مرخصیات استراحت موثر فراهم آید و نیز پرداخت حقوق یا دستمزد در ایام تعطیل.  
 کار فرمایان نمیتوانند هیچ بخشی از مفاد این ماده را به ترتیبی تفسیر کنند که متضمن محرومیت صاحبان مشاغل از حقوق و ضمانتهای قبلی آنها باشد. به این بیانکه که حقوق مزبور در این ماده ذکر نشده و یا دارای صراحت و تاکید کمتری است.  
 ۳۱- در اجرای هدف پیشبرده و حمایت علاتق اقتصادی و اجتماعی اتباع نیکاراگوآ موارد زیر تضمین میگردد:  
 الف - حق ایجاد و توسعه سازمانهای مردمی، محلی، روستائی و غیره و نیز اتحادیههای کاریگری یا حرفه ای